

واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال، پناه‌گیری را تمرین کنید.

همزمان با روز پزشک تهرانی‌ها رایگان ویزیت می‌شوند



روایت زندگی جوانانی که برای کارگری به سلیمانیه و اربیل عراق می‌روند

اینجا عرق ریختن بیشتر می‌صرفد

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان:

شاید بشود به جرأت گفت ۷۰-۸۰ درصد کارگران و استادکاران ساختمان که به عراق مهاجرت می‌کنند، از استان کردستانند

نداشته باشند، باید صبح‌ها خود را به میدان سلیمانیه برسانند برای کار. باراولی که رفتم سلیمانیه مثل بقیه هر روز صبح میدان سلیمانیه می‌نشستم منتظر کار، اما بار دوم یکی از دوستانم کار داربست را معرفی کرد و از میدان نشینی خلاص شدم، البته کار داربست سخت و خطرناک است؛ چند روز پیش سه‌تفتری ۱۴ تن میله آهنی را شش، هفت طبقه بالا بردیم آن هم در دمای بالای ۴۰ درجه. هر روز عصر که می‌رویم خانه، دوش هایمان از داغی آهن هاسوخته، امانم قبل از این در ایران صبح‌ها کارگری می‌کردم و شب‌ها کولبری.»

اگر در ایران، دستمزد برای نمای سنگ‌کاری، متری ۴۰ هزار تومان است، در عراق همین کار، متری ۱۰ هزار دینار است که می‌شود حدود ۱۰ هزار تومان

آن‌جا کارگران روزمزد هم روزی ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان در آمد دارند؛ استادکار روزی ۴۵۰ هزار تومان که پول خوبی است؛ برای کارگری که در ایران باید ۶ ماه سال بیکار باشد و ۶ ماه بعد را با دستمزد چهار سال قبل بسازد، خیلی می‌صرفد

سیروان می‌گوید: «همه‌ما از سر ناچاری آمده‌ایم این‌جا برای کارگری. زندگی در شهرهای مرزی سخت است. کار نیست و بیشتر جوانان بیکارند. پدرهام با کولبردن یا باغشل آزاد دارند که کفاف مخارج زندگی خانواده‌هایی را که اغلب پرجمعیت هم هستند، نمی‌دهد. برای همین پدرم به‌همه‌ما گفت ز رنگ‌باشید و مخارج خودتان را دربیابورید، چون من از پس مخارج زندگی بر نمی‌آیم. الان سه عید می‌شود نرفته‌ام خانه؛ عید نوروز، عید رمضان و عید قربان. هفته‌ای یک‌بار رنگ می‌زنم. این‌جا زندگی سختی‌های خودش را دارد. وضع بهداشتی که افتضاح است. از ۹ سالگی همپای پدرم می‌رفتم کولبری. پدرم تا زمانی که جان داشت، می‌رفت کولبری و حالا که پیر شده در مرز باشماخه باربری می‌کند.»

«همین دو هفته پیش بود که کارگر ۲۱ ساله میروانی بر اثر برق گرفتگی مُرد. بار دوشم بود، می‌آمد سلیمانیه. وقتی خبر را شنیدم از ته دل گفتم خوش به حالش، از کارگری راحت شد.»

صندوق بین‌المللی پول میزان بیکاری ایران برای سال ۲۰۱۸ را حدود ۱۲.۹ درصد ارزیابی و پیش‌بینی کرده این رقم امسال به ۱۵.۴ درصد افزایش یابد. براساس این گزارش، این رشد تا سال ۲۰۲۴ به‌صورت تجمادی ادامه خواهد داشت و به‌حدود

کارشان مشخص است. «صنعت کارها قبل از رفتن هماهنگ می‌کنند و راحت می‌روند. تعدادشان کم است. شرایط کار در کردستان عراق هم به‌خوبی گذشت‌نیست، چون تعداد کارگرها زیاد شده و برای همین دیگر به دلار یا دینار حقوق نمی‌دهند. کارگران ساختمانی که تعدادشان بالاست، روزی ۲۵۰ هزار تومان در آمد دارند، البته باید هر بار ۵۰ کیلو بیلوک جابه‌جا کنند. آن‌قدر باید کار کنید تا جان‌تان در بیاید. کمی هم گلایه کنید، کارگران سوری جایگزین می‌شوند. وقتی رسیدم سلیمانیه، می‌ترسیدم از کسی آدرس ببرسم برای همین کلی راه رفتم تا رسیدم مسافر خانه خالد. غربت سخت است. چندبار گریه کردم اما مجبور بودم بمانم و کار کنم.»

پیش از این «عادل بکوان» محقق عراقی-فرانسوی موسسه مطالعات پیشرفته علوم اجتماعی از پاریس به خبرگزاری فرانسه گفته است: «کارگران ایرانی نه‌تنها کار خود را از منظر اجتماعی و فرهنگی از جامعه عراقی-کردی انجام می‌دهند، بلکه خرج کرده و هزینه می‌کنند. کارگران نیازهای خود را برطرف می‌کنند و خودشان به‌عنوان منبعی از ثروت دیده می‌شوند.» چند روز پیش هم روزنامه «هفت‌صبح» در گزارشی نوشت عراق سه‌ساله از حدود ۴ میلیون مسافر ایرانی استقبال می‌کند. از طرف دیگر، درباره افزایش میزان نقل‌وانتقال ارز از عراق به ایران، از سوی این کارگران صحبت می‌شود؛ نقل‌وانتقالی که طبق گفته یک مسئول امور مالی در دولت عراق در گفت‌وگو با «العربی‌الجدید» در سال به ده‌ها میلیون دلار می‌رسد. این میزان ارز، به خانواده‌های کارگران یا به حساب‌های بانکی‌شان از طریق ۱۸۰ شرکت به ایران حواله می‌شود. در گزارشی که «العربی‌الجدید» منتشر کرده، آمده کارگران ایرانی از فرصت بیشتری برای جذب در شرکت‌های ایرانی یا عراقی در عراق برخوردارند؛ یکی به این دلیل که از قوانین کار ایران پیروی می‌کنند و دوم این که دستمزد کمتری (به دلیل نرخ برابری ارز) می‌گیرند.

«بیشتر جوانان آبادی‌های مرزنشین رفته‌اند برای کارگری، از آبادی‌های میروان و کردستان گرفته تا مهاپادوسر بل‌ذهاب اما از سنندج کم‌ترند.»

خبرگزاری فرانسه در گزارش ماهیت زندگی و تعداد کارگران ایرانی در عراق آورده است: «در جنوب یکی از بزرگراه‌های شلوع اربیل، یک تاجر عراقی-کرد، ساختمان‌هایش را به مسافر-خانه‌های ارزان تبدیل کرده تاقامتگاه مناسبی برای کارگران ایرانی باشد. «خورشید شقلاوی» ۵۴ ساله به این خبرگزاری گفته در فریت گذشته ۵۴ کارگر ایرانی در این مسافر-خانه اقامت کردند و حالا تعداد آنها به ۱۸۰ نفر رسید. او دو ساختمان دیگر در نزدیکی مسافر-خانه‌های خود را اجاره کرده، اما تعداد اتاق‌ها و امکانات همچنان کافی نیست؛ اتاق‌های ۹ متری برای چهار کارگر که برای هر شب باید ۱۵ دلار بپردازند

ماهای نخست که جوانان از فشار بیکاری راهی سلیمانیه و اربیل شدند، بیشتر خانواده‌هایی‌تر رسیدند جوانان‌شان بروند عراق، اما کم‌کم تعداد کارگران بیشتر شد و نگرانی‌ها برطرف. قدیمی‌ها حالا دوسالی است که در عراق کار می‌کنند و بعضی‌هایشان هم اقامت کار دارند. «کاوایر» ۲۴ ساله، تعداد کارگران ایرانی را بیشتر از سوری‌ها، هندی‌ها و چینی‌ها می‌داند: «قبل از این که بروم عراق تحقیق کردم ببینم شرایط چطور است؛ در روزنامه‌ای خواندم نزدیک ۲۵۰ هزار نفر در این دوسال رفته‌اند عراق برای کار. نمی‌دانم چقدر درست است، البته کارگر زیاد است. علاوه بر کارگرهای ایرانی خود عراقی‌ها هم از شهرهای دیگر برای کار می‌آیند اربیل و سلیمانیه. اوضاع کار خوب نیست. قبل از این که بروم عراق همه می‌گفتند کار زیاد است، اما جانم به لیم رسید تا کار پیدا کردم، چون کار ساختمانی برای من سخت بود، البته اوضاع کسانی که با پاسپورت آمده‌اند، بهتر است. کسانی که پاسپورت ندارند، نمی‌توانند وارد اربیل و سلیمانیه شوند و در همان شهر «پنج‌چوین» نزدیک مرز برای کارگری یا در آمده‌ای خیلی پایینی‌مانند.»

«برای یک‌ماهه اقامت در مسافر-خانه روزی ۴ هزار دینار باید بپردازید- نزدیک ۴ هزار تومان خودمان-



سیروان ۲۴ ساله کارگری با پنج‌بار کارگری به سلیمانیه سفر کرده

پول می‌دهند، چون می‌دانند دینارشان برای ایرانی‌ها خیلی زیاد است؛ هفته‌ای حقوق می‌گیریم. کردهای ایران یعنی بچه‌های نزدیک مرز بیشتر در سلیمانیه و اربیل کار می‌کنند، چون عربی بلد نیستند اما بقیه کارگرهای ایرانی به شهرهای دیگر عراق می‌روند. غربت سخت است، اما وقتی کسی می‌میرد یا برایش اتفاق بدی می‌افتد دنیا روی سر آدم خراب می‌شود.»

تا کار پیدا کنیم، جانم به لیم رسید

مسافر-خانه «خالد» با اتاق‌های پنج‌متری اش را بیشتر ایرانی‌ها می‌شناسند؛ مسافر-خانه‌ای کمی دورتر از میدان بزرگ سلیمانیه. «کاوایر» یکی از ساکنان همین مسافر-خانه است. کوچک‌ترین مسافر که شب‌های اول را با ترس و دلهره به صبح رسانده است. «چندماه دیگر ۱۷ سالم می‌شود، همه می‌گفتند برای کارگری زود شروع کرده‌ای. چند روزی است، برگشته‌ام اما سپرده‌ام اگر کار بود خبرم‌کنند. روزهای اول خیلی سخت می‌گذرد، اما چاره‌ای نیست.» وضعیت کار چندوقتی است خراب شده و کارگران ایرانی به راحتی نمی‌توانند کار پیدا کنند، به‌خصوص آنهایی که هم‌محلی یا هم‌روستایی در سلیمانیه یا اربیل ندارند. اما وضع صنعت کارها، خیاباطا، جوشکارها و کسانی که تخصصی دارند هنوز خوب است و قبل از این که پایشان به عراق برسد محل زندگی و

معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی، از ویزیت رایگان شهر وندان تهرانی همزمان با روز پزشک خبر داد. علیرضاسلیمی، درباره برنامه‌های روز پزشک گفت: «تلاشمان بر این است تا چندبرنامه را در سطح وسیع بر گزار کرده و خدماتی را با رویکردی متفاوت به مردم ارائه دهیم. بر همین اساس در روز یکم شهر یور در سه منطقه جنوب شهر تهران شامل فرهنگسرای بهمن واقع در میدان بهمن، کانون فرهنگی و ورزشی ملک واقع در خاوران و کانون فرهنگی مقداد واقع در خیابان ۳۰ متری جی نسبت به برگزاری جشنواره‌ای با همکاری شهرداری، رادیو سلامت و ارگان‌های مردمی اقدام می‌کنیم.»

وگرنه شبی ۵ هزار دینار یا پتان می‌نویسند. برای خورد و خوراک هم ایرانی‌ها از غذاهای ارزان استفاده می‌کنند تازه‌ینه‌ها پشان یا بین‌پیا‌ید.

کار ساختمانی برای «کاوایر» سنگین بوده و به هزار زحمت کاری در یک‌اعذیه‌فروشی پیدا می‌کند. آن‌طور که او می‌گوید چینی‌ها و هندی‌ها بیشتر در خانه‌ها کار می‌کنند و ایرانی‌ها بیشتر کارهای ساختمانی و داربست‌زدن را به‌عهده‌دارند. کاوایر می‌گوید عراقی‌ها اهل شکم‌اند برای همین فست‌فودی‌ها و رستوران‌ها مشتری‌های زیادی دارند و بیشترشان از ۷ صبح تا ۱۲ شب بازند، البته برای کار باید قبلا در فست‌فودی کار کرده باشید. کاوایر در فست‌فودی کوچکی کار می‌کرده و شب‌ها هم همان‌جامی‌مانده تا پول مسافر-خانه‌دهد، برای روزی ۱۵۰ هزار تومان. بیشتر مشتری‌های او کارگران عراقی بودند، چون غذاهایش ارزان بود. «شب اول هوا سرد بود و باران می‌بارید، آن‌قدر اذیت‌شدم که زنگ‌زد به‌صاحب‌کارم پاسپورتم را بیاورد بر گردم ایران. اما او برایم پتو آورد و کمی دلداری‌ام داد تا بمانم و پول در بیارم.»

اوایل همه چیز بهتر بود

میکایل صدیقی، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان اما نگران سر نوشت کارگران ایرانی است و در مورد این دغدغه گفته است: «ما هر روز شاهد مهاجرت کارگران و استادکاران ایرانی به کردستان عراق هستیم؛ شهر میروان که من در آن زندگی می‌کنم، فقط ۱۵ کیلومتر تا مرز سلیمانیه فاصله دارد؛ شاید بشود با جرأت گفت ۸۰-۹۰ درصد کارگران و استادکاران ساختمان که به عراق مهاجرت می‌کنند، از استان کردستانند؛ در شهرهای میروان سروآباد، حاققل ۵۰-۴۰ درصد استادکاران در عراق کار می‌کنند؛ از زمانی که ارزش پول پایین آمده و ساخت‌وساز کم شده، موج مهاجرت گسترده‌تر شده است؛ در یک‌سال و چندماه گذشته، در ایران قیمت همه اقلام ساختمان از سیمان گرفته تا تیر آهن، بالا رفته، اما نرخ نیروی کار ثابت مانده؛ کارگر و استادکار ساختمان بانرخ چهار سال پیش مشغول به کارند؛ اما در عراق دستمزد‌ها خیلی بالاتر است؛ مثلاً اگر در ایران دستمزد برای نمای سنگ‌کاری، متری ۴۰ هزار تومان است، در عراق همین کار متری ۱۰ هزار دینار است که می‌شود حدود ۱۰۰ هزار تومان؛ آن‌جا کارگران روزمزد هم، روزی ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان در آمد دارند؛ استادکار، روزی ۴۵۰ هزار تومان که پول خوبی است؛ برای کارگری که در ایران باید یک‌ماه سال بیکار باشد و هم‌بعد را بادستمزد چهار سال قبل بسازد، خیلی می‌صرفد.»

«من اقامت کاری دارم و هر قدر که بخوام می‌توانم بمانم. کارهای اقامت‌مان را وکیل صاحب‌کار مان انجام داد.»

«سیامند» جزو نخستین کارگرانی است که راهی کردستان عراق شده و حالا جزو قدیمی‌ها به حساب می‌آید. او دوسالی می‌شود که برای کار می‌رود. سیامند از همان اول میدان‌نشین نبوده، چون با یکی از هم‌روستایی‌هایش به سلیمانیه رفت، خانه را او برایش اجاره کرد و اقامت کار هم گرفت، اما مجبور نشوند هر ۲۸ روز برگردند ایران. سیامند حالا هر سه‌ماه یک‌بار چند روزی می‌رود ایران.

داریست فلزی کار اصلی «سیامند» ۳۴ ساله است و رونق کار ساختمان‌سازی را افزایش چشمگیر جمعیت عراق می‌داند: «از کارم راضی‌ام خدا را شکر. برای هم‌روستایی خودمان کار می‌کنم، اجاره‌خانه هم نمی‌دهم. اغلب کارگران ایرانی آشنا و فامیلند، البته سوری‌ها و ترک‌ها هم هستند. ساختمان‌سازی کار سختی است، اما پول خوب می‌دهند و همین کافی است. جمعیت عراق رو به افزایش است و برای همین به شهرک‌های جدید نیاز دارند. تا زمانی که عراق امنیت داشته باشد، برای کارگران ایرانی کار هستی، چون کارگران برای عراقی‌ها منبع درآمده به حساب می‌آیند و در عین حال با مهندسان و کارفرمایان ارتباط خوبی دارند، البته نسبت به گذشته در آمد کارگران ایرانی پایین آمده. اوایل که ما کار می‌کردیم به دلار پول می‌داند، اما حالا به ریال حقوق می‌دهند، اگر همین‌طور پیش برود، شاید شرایط سخت‌تر و در آمده‌ها کمتر هم‌شود.»

از واکسی تا کارگر م‌رغداری

در عراق، کارگران ایرانی را تنها سر ساختمان‌های نیمه‌کاره در حال در بست‌زدن یا حامل بیلوک و سیمان نمی‌بینید یا سر میدان شهر در انتظار کار. بساط واکسی برای مسن‌تر هاست، آنهایی که توان کار سخت را ندارند. «آدم از خجالت آب می‌شود وقتی این پیر مرد‌ها را می‌بینند. در یکی از این مسافر-خانه‌هایی که برای ایرانی‌ها می‌مانند، تعدادی از این مرد‌ها را دیدم که هر سه‌من‌وسال پدرم بودند؛ هر کفش ۵۰۰ دینار. «اسماعیل» ۵۰ سال داشت و بار ششم بود که می‌آمد عراق برای واکس‌زدن، تعداد این «اسماعیل‌ها» کم نیست.»

«در آمد کارگران م‌رغداری بالاست، ماهی ۱۰ میلیون تومان، البته کارشان خیلی سخت است. باید کار بلندباشید. «ادرس» یکی از کارگران م‌رغداری است. در میروان خیلی سعی کرد کاری برای خودش دست‌وپا کند، اما چون پایش را روی مین از دست داده، کار پیدا کردن برایش کمی سخت بود. او ۲۶ سال دارد و تازه یک‌ماه از ازدواجش گذشته بود و مجبور شد دوماه تازه عروسش را تنها بگذارد، البته بعد از دوماه با ۱۰ میلیون پول برگشت: «پول زیادی است.» م‌رغداری‌ای که ادریس در آن کار می‌کند، نزدیک سلیمانیه است؛ کارگران از صبح تا شب باید آن‌جا کار کنند و شب‌ها همان‌جا می‌مانند و نگهبانی بدهند. آمبول‌زدن مرغ‌ها و تمیز کردن م‌رغداری هم با کارگران است. «ادر پس بعد از دوماه برگشت ایران و قرار است اگر کار بود، دوباره برگردد سلیمانیه، البته این بار می‌تواند سه‌نفر دیگر را هم با خود ببرد. سپرده‌ام پسر خاله‌ام را هم با خود ببرد. در م‌رغداری‌ها به هر کس کار نمی‌دهند، باید کاری باشی و کار بلد.» «من عاشق جوبم برای همین هنر دستم را در عراق می‌فروشم. جوانانی مثل من کم‌اند، چون بیشترشان برای کارگری می‌آیند.»

آر‌شین ۲۸ سال دارد. اهل سنندج است و مثل بیشتر جوانان مرزنشین بعد از دیپلم به فکر کاسبی افتاده: «دیپلم که گرفتم، کار با چوب را یاد گرفتم. عاشق بوی چوبم، وقتی چوبی را شکل می‌دهم، روحم زنده می‌شود. بار چهارم است می‌آیم مسافر-خانه «خالد». همین‌جا توی اتاق کار می‌کنم و می‌فروشم.»

پدر «آر‌شین» با پنج‌سر عایله به‌یکار است و از وقتی «آر‌شین» آمده عراق کمی اوضاع خانه بهتر شده: «پنجره‌های تزئینی برای کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها درست می‌کنم. عراقی‌ها پنجره‌ها را خیلی دوست دارند و هر پنجره را ۳۰-۲۰ و حتی ۵۰ هزار دینار هم می‌خرند. بستگی به اندازه پنجره دارد. اما همین پنجره‌ها در ایران برایم ۵۰ هزار تومان سود داشت. واقعا وضع کار در سنندج خوب نیست و بیشتر جوانان بیکار‌اند.»